



Parvin Bakhtiarneshad, "Women Intellectuals and the Post-1979 Experience," *Iran Nameh*, 27:2 (2012), 194-206.

# زنان روشنفکر در تجربه سال‌های پس از ۱۳۵۷

## پروین بختیارنژاد

روزنامه‌نگار و محقق

Parvin Bakhtiarneshad

parvineazar@gmail.com



پروین بختیارنژاد روزنامه‌نگاری را از سال ۷۴ در ایران فردا شروع کرد. پس از توقیف ایران فردا در جامعه نو و پس از بسته شدن آن در روزنامه خرداد، آفتاب امروز، صدای عدالت، یاس نو، شرق، اعتماد و کارگزاران مشغول به کار شد. اولین تحقیق خود را در مورد خودسوزی زنان در ایران در سال ۸۰ به چاپ رساند. در سال ۸۴ تحقیقی که در مورد موانع درون ساختاری سازمان‌های غیر دولتی در ایران بود به مشکلات درونی نهادهای مدنی پرداخت. تحقیقش در مورد قتل‌های ناموسی در ۲۵ نوامبر سال ۸۹ در سایت مدرسه فیمینستی چاپ شد. در سال ۸۷ در اجلاس سالانه سازمان ملل (بزرگداشت مقام زن) در مورد قتل‌های ناموسی در ایران صحبت کرد.

بیش از صد سال از تشکیل نخستین گروه‌های روشنفکری زنان در ایران می‌گذرد، از جمله اولین گروه‌های تحصیل کرده و روشنفکر زنان که در نهضت مشروطیت پا به پای مردان مشروطه‌خواه برای تشکیل مجلس شورا، محدود کردن قدرت شاه، و داشتن عدالت‌خانه، تلاش کردند. زنان با شرکت در تحصن و حتی به دست گرفتن اسلحه، به رویارویی با نیروهای دولتی ضد مشروطه برخاستند و حتی آنان امنیت جانی روحانیون متحصن را به عهده گرفتند و با حمایت مالی از مشروطه‌خواهان، پای به پای مردان از خواست‌های مردم ایران حمایت کردند. اما به محض طرح اولین خواسته‌های برابری حقوقی به هنگام تصویب قانون اساسی، در ردیف دیوانگان و کودکان قرار گرفتند، که همچون پتکی بر سر زنان مشروطه‌خواه فرود آمد و آنها را متوجه موانع جدی فرهنگی و اجتماعی جامعه خود کرد و زمینه‌های تشکیل انجمن‌ها و نشریات خاص زنان را فراهم آورد و نیز زمینه‌های ظهور چهره‌هایی چون بی‌بی‌خانم استرآبادی نویسنده کتاب معایب الرجال و صدیقه دولت‌آبادی صاحب امتیاز نشریه زبان زنان شد. اما فراز و فرودهای سیاسی شرایط رشد و بالندگی این نهال نوپای نواندیشی زنان را که با تأکید بر مطالبات مدنی حرکت می‌کرد فراهم نساخت و شکل دیگری از دیکتاتوری، انجمن‌های زنان را تعطیل کرد و چهره‌های شاخص آن را به انزوا کشاند. ایران در صد سال اخیر شاهد شکل‌گیری الگوهای متنوعی از روشنفکری به طور عام و روشنفکری زنان به طور خاص بوده است. با اینکه اولین زنان فعال اجتماعی از درون جامعه بسته قرن نوزدهمی ایران سر برآوردند، دهه ۲۰ شمسی زمان شکل‌گیری نوع جدیدی از حضور زنان روشنفکر بود.

در این دهه پدیده تازه‌ای به نام کار حزبی و فعالیت تشکیلاتی برای رسیدن به جامعه‌ای بی‌طبقه و برابر مطرح شد و بسیاری از جوانان تحصیل کرده آن زمان را جذب خود کرد. حزب توده با رویی گشاده دره‌ایش را برای حضور زنان باز کرد و زنان متعددی جذب این شیوه نو و ناشناخته مبارزه با دیکتاتوری شدند. با تأسیس حزب توده دومین جریان روشنفکری زنان شکل گرفت و حتی پای زنانی چون مریم فیروز به مرکزیت این حزب کشیده شد و سازمانی به نام سازمان





زنان در حزب توده تشکیل شد. نشریاتی چون بیداری ما به سردبیری زهرا اسکندری تأسیس شد. اما آنچه که حائز اهمیت است اینکه تشکیل سازمان زنان حزب توده و نشریه بیداری ما و پیوستن زنان متعدد به این سازمان آیا توانست مطالبات زنان را پی گیری کند و تأثیر ملموسی بروضعیت زنان که از حق رأی محروم بودند و تحصیل آنان با موانع فرهنگی جدی مواجه بود، بگذارد؟ اینها تا چه حد توانستند به آگاهی بیشتر زنان کمک کنند؟

چنانکه ناهید نصرت از اعضای قدیمی حزب توده در مصاحبه‌ای که اخیراً با سایت بی‌بی‌سی داشت گفت: «تنها زمانی به سطوح رهبری راه می یافتند که همسر یا بستگان یکی از مردان موثر در حزب توده بودند و زمانی که از این شرایط بهره‌مند نبودند اگر به تشکیلات راه می یافتند، امکان چنین رشدی نداشتند. من بتدریج در سمینارها و جلسات زنان متوجه شدم که مشکلات زنان با فعال شدن زنان در حزب قابل حل شدن نیست. مشکلات آنها، مشکلات روزانه و شخصی است. مشکلات آنها در مورد مسایل انسانی همچون حسادت، عشق، طلاق، جمع کردنمال، تربیت بچه ها و ... بود.»<sup>۱</sup> در این زمینه همچنین تجربه آذرنصور از مسئولین تشکیلات زنان در اصفهان بیانگر بیگانگی با این خواست‌های فمینیستی است. او در گفتگویی با رادیو فردا می‌گوید که «به تدریج در سمینارها و جلسات زنان متوجه شدم که مشکلات زنان، مشکلات فعال شدن در یک حزب نیست بلکه مشکلات روزانه شخصی است. آنها در مورد مسایل انسانی همچون حسادت، عشق، طلاق، جمع کردن مال، تربیت بچه‌ها، و یا در مورد اختلافی که بارفیق حزبی من به عنوان شوهر یا برادر در خانه داشتند، بحث می کردند. این در شرایطی بود که من در مورد این قبیل مسایل فقط می توانستم چیزهایی کلی بیان کنم و نمی توانستم قدم به قدم آنها را راهنمایی کنم و برای کار اختصاصی در حوزه زنان اعزام کنم. نمی توانستم مانند کاری که امروز در آلمان و در حوزه زنان انجام می شود، به آنها کمک کنم و به دادگاه و مراجع مختلف بفرستم.»<sup>۲</sup>

اما نکته قابل تأمل در بررسی چنین پدیده‌ای این است که برای معدودی از زنان تحصیل کرده آن روز که به خاطر حق آموزش مورد سرزنش‌های متعدد قرار داشتند و یا برای حق رأی از طرف کسانی مانند آیت‌الله مدرس در زمره سفیهان قرار می گرفت، کار حزبی و گشودن باب فعالیت‌های تشکیلاتی و قبول زنان در شورای مرکزی حزب توده، چه با انگیزه تقلید و الگوگیری از سیستم حزبی در شوروی و یا تصمیمی خودجوش از طرف رهبران حزب توده، برای زنان، یک گام مهم به جلو بود.

به هر ترتیب دهه ۲۰، دهه شکل‌گیری روشنفکران حزبی و ایدئولوژیک است. سازمان‌ها و احزاب سلسله‌مراتبی، با ایدئولوژی‌های مدرن، با اهداف و آرمان‌های بزرگ، با منطق و استدلالی گاه خارج از فهم عموم مردم و با زبانی پیچیده از آغاز دهه ۴۰ بخش اعظم روشنفکری منتقد در ایران را تشکیل می‌دادند. آنها یا در جبهه اپوزیسیون و یا در قالب سازمان‌هایی مانند فداییان خلق، مجاهدین خلق و گروه‌های کوچکتیری که در شهرستان‌ها ولی با همان الگوهای تشکیلاتی و با همان گفتمان انتقادی و رهایی‌بخش تبدیل به گفتمان غالبی شده بودند؛ ایده‌ها و باورهای این گروه‌ها مبدل به هسته سختی از تفکر ایدئولوژیک نسبت به استبداد، استثمار، و استعمار شده بود و در این میان نیز روشنفکران غیر حزبی چون دکتر علی شریعتی، مهندس بازرگان و مهندس سحابی به نوعی مغلوب صدای بلند و گفتمان جدید روشنفکران حزبی شده بودند.

مهرداد مشایخی، روشنفکری این چند دهه را با ویژگی‌های انقلابی، ضدامریکایی، عوام‌گرا، دارای گرایشات طبقاتی، عدالت‌جو، آزادی‌خواه و غیردمکراتیک معرفی می‌کند.<sup>۳</sup> اما وجه مشترک آنها در دهه‌های متعدد اعتراض به وضع موجود، عزم ایجاد تغییر در کلیه مناسبات جامعه، قائل بودن به وظیفه رهایی‌بخشی، و روشنگری نسبت به تفکر، باورها و مناسبات خرد و کلان جامعه بود. این شکل از روشنفکری تا پایان دهه ۶۰ شمسی ادامه یافت و مردان و زنان بسیاری پا به میدان مبارزه سیاسی و فرهنگی گذاشتند. البته زنان اندکی که در جنبش روشنفکری انتقادی حضور داشتند همچنان تحت سیطره پدرخوانده‌های حزبی بودند و تعداد انگشت‌شماری هم به سطوح بالای سیاسی و تشکیلاتی راه یافتند. در این دوره چه از طرف این احزاب و سازمان‌ها و چه از جانب زنان فعال در آن تشکل‌ها، سخنی در خصوص مسائل خاص زنان شنیده نمی‌شود. مشکلات اساسی زنان در پس آن ایده کلی پنهان می‌شد که اگر رژیم دیکتاتوری تغییر کند، همه مسائل از جمله مسائل زنان حل خواهد شد، و هیچ اثر قابل توجهی درباره زنان از طرف زنان روشنفکر آن دوره دیده نمی‌شود.

روشنفکران حزبی و یا نزدیک به سازمان‌های سیاسی که بعد از انقلاب بر تعداد آنها نیز افزوده شد در دهه ۶۰ توسط جمهوری اسلامی به شکلی خشونت‌آمیز سرکوب شد. برای زنان و مردان روشنفکر، دهه ۶۰ در فضایی پر از هراس، ابهام، و سکوت به پایان رسید و دهه ۷۰ با تجربه‌های تلخ و پر از آزمون‌های سخت و مشقت‌بار با افکار متفاوت و چهره‌هایی بسیار متفاوت‌تر از چهره‌های پیشین آغاز شد. جنس

روشنفکری دهه ۷۰ با روشنفکری دهه‌های پیشین هم از منظر ایده‌ها و هم از منظر روش‌ها متفاوت بود. مهم‌ترین وجه تمایز آن بیرون آمدن جامعه روشنفکری از سایه سازمان‌ها، احزاب، و ایدئولوژی‌های بسته است. روشنفکران دهه ۷۰ پس از تجربه سال‌های قبل به نقد انقلاب و دفاع از دموکراسی پرداختند و ارزش‌هایی چون حقوق بشر، حقوق شهروندان، حقوق زنان، و حقوق کودکان به دغدغه مهم آنان تبدیل شد. روشنفکران زن (مانند رضوان مقدم، خدیجه مقدم، مینو مرتاضی، فاطمه فرهنگ‌خواه، فاطمه گوارایی، پروین بختیارنژاد، منصوره شجاعی و غیره) نیز که در دهه ۷۰ از زیر سایه احزاب و پدرخوانده‌های حزبی و سازمانی خود بیرون آمده بودند و با جمع‌بندی مفصل از چند دهه فعالیت در کنار مردان با ایدئولوژی‌های مختلف، به نتایج مشترکی رسیدند. زنان در این دوره با انباشت تجربیات مفصل همکاری با مردان در سازمان‌های سیاسی، به تجربه زنان در نهضت مشروطیت رجوع کردند و با بازخوانی محتوای ایده‌ها و روش فعالیت آنان ساز مبارزات مدنی را کوک کردند. مطالبات کنونی آنان با خواست‌های روزمره زنان ارتباط داشته و این خواسته‌ها آنقدر روزمره و عینی بود که با طرح آن حتی زنان کم‌سواد و بی‌سواد هم با آن همدلی داشتند. بسیاری از زنان روشنفکر که از نیمه‌های دهه ۶۰ در نهادهای غیردولتی - فرهنگی، محیط زیستی و اجتماعی فعال بودند، تجربه کار اجتماعی یا کار سیاسی و تشکیلاتی، به آنان درک عمیقی از مسائل جامعه ایران داده بود و آنها رابه این نکته مهم رسانده بود که برای رسیدن به اهداف بزرگ باید آن هدف را به هدف‌های کوچکتر تقسیم کرد و با دستیابی به یک هدف می‌توان به سمت هدف دیگر گام برداشت.

دهه ۷۰، دهه استقلال روشنفکری زنانه از روشنفکری عام نیز هست. در این دهه گونه‌ای از روشنفکری زنانه متولد شد که به دلیل ویژگی‌های جامعه زنان ایران از جمله به مسائلی توجه داشت که با زندگی روزمره زنان گره خورده بود. وجود گفتمان ضدتبعیض یا ضدخشونت نشانه‌ای از این واکنش به شرایط زنانه بود. از آنجایی روشنفکران زن این دهه خواهان حقوق و شرایط برابر با مردان بودند و دغدغه برابری جنسیتی برای آنها الویت پیدا کرده بود، آنان با روشنفکری عام فاصله گرفتند. بدین‌گونه بود که نوعی گفتمان روشنفکری زنانه بر بستر فعالیت‌های مدنی و یا مبارزه علیه خشونت به وجود آمد و روشنفکران با پرهیز از کلی‌گویی و پرداختن به مسائل روزمره زنان راهی جدید برای مبارزه مدنی و مبارزه برای دموکراسی گشودند.

در همین دوره است که نگاه زنان روشنفکر به غرب هم تا حدودی دستخوش تعدیل شد. نگاهی به ادبیات فمینیستی این دوره ایران نشان می‌دهد که چهره‌های روشنفکری از چپ تا گرایش‌های مذهبی نوعی همگرایی گفتمانی مبتنی بر بهره‌گیری از دانش و تجربه جنبش‌های فمینیستی را شکل دادند. این نکته قابل توجه است که بیشترین شرکت‌کنندگان را در سمینارهای بین‌المللی در دو دهه اخیر زنان تشکیل می‌دهند. بسیاری از مردان روشنفکر تا سال‌های اخیر با تردیدهای بسیار جدی به نشست‌ها و گردهمایی‌ها در خارج از ایران نگاه می‌کردند و این زنان بودند که تابوی ضدیت با چنین نشست‌های بین‌المللی را شکستند. به عنوان مثال می‌توان از شرکت متعدد فعالین زن در نشست‌های سی اس دبلیو در سازمان ملل یاد کرد. در این نشست‌ها که هر سال در حاشیه اجلاس بزرگداشت مقام زن برگزار می‌شود افرادی مانند رضوان مقدم، خدیجه مقدم، فاطمه فرهنگ‌خواه، پروین بختیارنژاد، آسیه امینی، و مریم بهرمن شرکت کردند.<sup>۱</sup> همین روایت درباره شیرین عبادی، مهرانگیز کار، شهلا لاهیجی، نرگس محمدی، منصوره شجاعی، شادی صدر، محبوبه عباس‌قلی‌زاده، و ژیلای بنی‌یعقوب صدق می‌کند که نقش مهمی در طرح مسائل زنان در سطح بین‌المللی ایفا می‌کنند.

اکنون کوشش می‌کنم تا به برخی از چهره‌های تأثیرگذار جنبش زنان اشاره کنم و به توضیح کانون‌های ایجاد شده توسط این چهره‌های تأثیرگذار به عنوان نهادهایی در جهت بسط و گسترش خواسته برابری و مقابله با تبعیض و خشونت‌های گسترده علیه زنان پردازم. این کانون‌ها مهم‌ترین برنامه خود را آگاهی‌رسانی اجتماعی و نیز تشکیل نیروهای فشار علیه قوانین و فرهنگ تبعیض‌آمیز اعلام کردند و با خواسته تغییر قوانین در جامعه ظاهر شدند. همین‌طور به نحله‌ها و گرایش‌های متنوع فکری زنانی می‌پردازم که بیش از یک دهه به طور گسترده و تنگاتنگ فعالیت کردند بدون اینکه گرایش‌های فکری متنوع، آنان را دچار مشکل سازد.

<sup>۱</sup>ناهید نصرت، "نگاهی به تجربه تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" بی بی سی فارسی (۰۳ فوریه ۱۴/۲۰۱۲ بهمن ۱۳۹۰):

[http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012/02/120202\\_144\\_tudeh\\_party\\_women\\_organizations.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012/02/120202_144_tudeh_party_women_organizations.shtml)  
<sup>۲</sup>[http://www.radiofarda.com/content/f6\\_iran\\_tudehparty\\_women/24347969.html](http://www.radiofarda.com/content/f6_iran_tudehparty_women/24347969.html)

مهرداد مشایخی، "قدرت و روشنفکران"، آرش، شماره ۱۰۳ (مرداد ۱۳۸۸).  
مریم بهرمن در سال پیش به خاطر شرکت در اجلاس سی اس دبلیو سازمان ملل، به مدت ۶ ماه در زندان عادل‌آباد شیراز در بازداشت بود.

## چهره‌های تأثیرگذار جنبش زنان

نوشین احمدی خراسانی جز اولین چهره‌های جنبش زنان است که بحث برابری جنسیتی و شناخت و بازخوانی موضوع فمینیسم را آغاز کرد. تأسیس مرکز فرهنگی زنان و انتشار فصل‌نامه جنس دوم به وسیله نوشین احمدی خراسانی اولین نشریه مستقل زنان بعد از انقلاب است که مشخصاً به طرح مسائل مختلف زنان پرداخت ولی مهم‌ترین نکته‌ای که در مقالات متعدد و شماره‌های مختلف این نشریه بر روی آن انگشت گذاشته شد فقدان برابری جنسیتی بود.

مهرانگیز کار، دیگر حقوق‌دان زن که در حوزه حقوق زنان فعال بود، با انتشار مقالات و کتب متعدد به طرح دقیق و علمی مسائل زنان از منظر حقوقی پرداخت. او با انتشار کتاب‌هایی چون فرشته عدالت و پاره‌های دوزخ، پژوهشی در هویت تاریخی زنان ایران، حقوق سیاسی زنان در ایران، رفع تبعیض از زنان و موانع حقوقی توسعه سیاسی در ایران، خشونت علیه زنان، مشارکت سیاسی زنان، کاستی‌های قوانین را در ایران به نقد کشید.

شهلا لاهیجی نویسنده و مترجم اقدام به انتشار کتاب‌هایی در خصوص مسائل زنان نمود.<sup>۷</sup> او با تأسیس انتشارات روشنگران و مطالعات زنان به عنوان اولین ناشر زن، انتشارات روشنگران را به نشر آثار نویسندگان زن اختصاص داد و کتاب‌های ارزشمندی در حوزه زنان از این ناشر منتشر شد. از میان فعالیت‌های مدنی باید از کانون‌ها و گروه‌های متعدد جنبش زنان یاد کرد که شرایط کار جمعی متعدد و تنگاتنگی را برای زنان روشنفکر فراهم آوردند.

## هم‌اندیشی زنان

اختصاص جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی، شور و انرژی خاصی به جنبش برابری خواه زنان ایران هدیه کرد. مهم‌ترین دستاورد این جایزه برای زنان ایرانی اعتماد به نفس بیشتر، امید به آینده‌ای بهتر و کار و فعالیت افزون‌تر بود. بالا رفتن اعتماد به نفس و امید بیشتر به آینده، جنبش زنان ایران را وارد مداری دیگر کرد و اولین جلسات هم‌اندیشی با ایده حضور و در کنار هم قرار گرفتن فعالین زن با گرایش‌ها گوناگون فکری اعم از مذهبی و لائیک پایه‌گذاری شد. در نشست‌های هم‌اندیشی، رنگین‌کمانی از افکار و گرایش‌ها مذهبی و لائیک دیده می‌شد و بنای کار مشترک بر اساس اتفاق نظر بر حداقل اشتراکات حول محور برابری جنسیتی و بدون در نظر گرفتن ایدئولوژی افراد آغاز شد.

حاصل جلسات هم‌اندیشی، آشنایی و همکاری جدی زنان روشنفکر لائیک و مذهبی بود و از دل این آشنایی

نوشین احمدی با انتشار سالنامه زنان و نوشتن کتاب‌هایی مانند زنان بی‌گذشته، زنان زیر سایه پدرخوانده‌ها و ترجمه کتاب‌های متعددی به طرح مسائل زنان و برابری جنسیتی پرداخت،<sup>۸</sup> و بحث‌هایی بسیار جدی در خصوص نابرابری جنسیتی به راه انداخت. در این دوره زنانی چون سیمین بهبهانی، شهلا لاهیجی، رضوان مقدم، منصوره شجاعی، و زهره ارزنی، از جمله کسانی بودند که با جدیت بحث برابری جنسیتی را مطرح می‌کردند.

در آن سال‌ها زنان متعددی با گرایش‌ها متنوع فکری به طرح مسائل زنان در نشریات مستقلی که روز به روز بر تعداد آن افزوده می‌شد، پرداختند و این قضیه تا بدان جا کشید که در برخی از روزنامه‌های اصلاح طلب صفحه‌ای به زنان اختصاص یافت. ماهنامه زنان با مدیر مسئولی شهلا شرکت دومین نشریه خاص زنان بود که به طور مرتب منتشر می‌شد و در هر شماره به موضوعات مختلف در مورد زنان می‌پرداخت. نویسندگان نشریه زنان با بیانی ساده و روان در خصوص زنان می‌نوشتند، به همین دلیل خواننده‌های بسیار و مختلفی پیدا کرده بودند؛ البته این نشریه در دور اول ریاست جمهوری احمدی‌نژاد توقیف شد.

از نیمه سال ۷۶ شیرین عبادی و مهرانگیز کار دو حقوق‌دان زن ایرانی گفتمان حقوقی را در کنار موضوع برابری جنسیتی مطرح کردند. شیرین عبادی به عنوان یکی از اولین قضات زن ایرانی که پس از انقلاب از قضاوت محروم شده بود، کتاب‌ها و مقالات متعددی در خصوص حقوق زنان و حقوق کودکان نوشته است.<sup>۹</sup> وی برای اولین بار به نقد قوانین ضد زن همچون قانون ولایت پدر بر کودک، قبول نکردن شهادت زنان در دادگاه‌ها، نداشتن حق طلاق زنان، تعدد زوجات و پایین بودن سن ازدواج دختران که برگرفته از فقه سنتی است پرداخت.

<sup>۴</sup> از جمله آثاری که نوشین احمدی خراسانی در دفتر انتشارات خود یعنی توسعه به چاپ رسانده است عبارتند از: مگی هام و سارا گمبل، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه فیروزه مهاجر، نوشین احمدی خراسانی، فرح قره‌داغی (تهران: توسعه، ۱۳۸۲)؛ همچنین نشریه جنس دوم، فصل زنان از جمله کارهای اوست. دیگر آثار او عبارتند از الیز ساراساریان، جنبش حقوق زنان در ایران، طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷، ترجمه نوشین احمدی خراسانی (تهران: اختران، ۱۳۸۴)؛ شارلوت پرکینز گیلمن، زنستان، ترجمه نوشین احمدی خراسانی (تهران: توسعه، ۱۳۸۸).  
<sup>۵</sup> از این جمله است شیرین عبادی، حقوق کودک: نگاهی به مسائل

و همکاری برگزار نشست‌های مشترک، سمینارهای متعدد و گفتگوهای صمیمانه بین این دو جریان فکری بود که بعد از انقلاب بیش از دو دهه گسست و ناهم‌زبانی را تجربه کرده بودند. این نشست‌ها که بر حول محور مشترکات و حداقل مطالبات برگزار می‌شد و در آن به روی هرکسی که با مطالبات زنان هم‌دلی و همراهی داشت، باز بود. در این نشست‌ها روشنفکران زن بدون در نظر گرفتن سوابق و رفتارهای گذشته و با تکیه به تفکرات کنونی‌شان به همکاری با هم پرداختند و همین امر باعث تداوم جلسات و نشست‌های متعدد زنان شد.

### تشکیل کانون مدافعان حقوق بشر

شیرین عبادی در سال ۱۳۸۱ به تشکیل کانون مدافعان حقوق بشر اقدام کرد. مهم‌ترین هدف و فعالیت این کانون دیده‌بانی وضعیت حقوق بشر و موضع‌گیری نسبت به موارد نقض حقوق بشر در ایران بود. این کانون که به همت شیرین عبادی و عبدالفتاح سلطانی و محمد سیف‌زاده و محمد شریف تشکیل شد و در پی آن توانست همکاری و کلای جوانی چون نسرین ستوده و مهناز پراکند و نیز فعال حقوق بشر مانند نرگس محمدی را به سوی خود جلب کند. بدین‌گونه بود که جمع متکثر و متعددی از زنان و مردان روشنفکر و حتی برخی از اعضای احزاب سیاسی و دانشجویان فعال به این کانون پیوستند و در کمیته‌هایی چون کمیته زنان، کمیته اصناف، کمیته دفاع از انتخابات آزاد و عادلانه، کمیته صلح، کمیته دانشجویی برای آموزش و تبلیغ رعایت حقوق بشر حول یک وکیل و فعال حقوق بشر زن جمع شدند و همه این فعالیت‌ها از جمله مواردی بود که از طریق یک وکیل و یک روشنفکر زن پایه‌گذاری شده بود و این کانون به عنوان اولین نهاد حقوق بشری در ایران از حقوق کلیه شهروندان، اقوام، اقلیت‌های دینی، و گروه‌های سیاسی دفاع می‌کرد و کلیه این تلاش‌ها به اعتمادبه‌نفس بیشتر زنان ختم شد. نسرین ستوده که بسیار قبل از آنکه وارد رشته حقوق شود روزنامه‌نگاری بود که در نشریاتی مانند آبان قلم می‌زد با شروع کار کانون مدافعان به آنان ملحق شد و

کار با شیرین عبادی و سایر حقوق‌دانان در مدتی کم از او وکیلی ساخت که وکالت بسیاری از فعالین سیاسی، کودکان زندانی زیر ۱۸ سال و نیز وکالت شیرین عبادی را در دادگاهی که شاکی آن حسین شریعتمداری مدیر مسئول روزنامه کیهان بود به عهده گرفت و به دفاع از عبادی پرداخت، در واقع مهم‌ترین ویژگی ستوده شجاعتش است که در مقاطع مختلف فعالیت حقوق بشری‌اش نشان داده است.

### کمپین یک میلیون امضا

در شهریور سال ۱۳۸۵ کمپین یک میلیون امضا به پیشنهاد شیرین عبادی، سیمین بهبهانی، شهلا لاهیجی، نوشین احمدی خراسانی، پروین اردلان، خدیجه مقدم، رضوان مقدم، منصوره شجاعی، شهلا اعزازی، نسرین ستوده و تعدادی دیگر از فعالین زن، بر پا شد. این کمپین در جهت تلاش برای تغییر قوانین ناعادلانه نسبت به زنان به راه افتاد تا از طریق حرکت جمعی تلاش گسترده‌ای در خصوص تغییر قوانین ضد زن انجام شود. قوانینی چون حق طلاق، حق سرپرستی فرزندان، حق پوشش آزاد، حق سفر کردن، حق اشتغال، ازدواج موقت، مواد قانونی مربوط به فسخ ازدواج، نفقه و مهریه، قیومیت، سن مسئولیت کیفری، مواد قانونی حامی قتل‌های ناموسی، تابعیت، سنگسار، دیه برابر، ارث برابر، حق انتخاب شدن در بالاترین سطوح سیاسی.<sup>۸</sup>

از آنجایی که مطالبات کمپین یک میلیون امضا با استقبال گسترده زنان خصوصاً زنان جوان اعم از دانشجو، روزنامه‌نگار، کارمند، خانه‌دار، هنرمند، نویسنده، شاعر و غیره روبرو شد، کمیته‌های متعددی در این جمع گسترده شکل گرفت و قرار بود که زنان فعال در این کمپین با مراجعه خانه‌به‌خانه طومار تغییر قوانین را به امضا زنان از هر طیف و قشر و طبقه‌ای برسانند. تا این طومار به دست نمایندگان مجلس برسد و آنها را متوجه این نکته کند که تغییر قوانین خواست عموم جامعه زنان ایرانی است، نه خواست تعداد معدودی از زنان.

در واقع در این مرحله از فعالیت زنان، گفتمان غالب، گفتمان حقوقی بود. موضوع حقوق برابر با مردان در حوزه‌های فردی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تغییر قوانین، محوری‌ترین خواسته کمپین یک میلیون امضا بود. البته قوه قضاییه هم نهایت مخالفت و فشار را بر اعضا کمپین وارد کرد. از افراد تازه به این مجموعه پیوسته تا چهره‌های باسابقه زنان هر یک به دفعات متعدد بازداشت یا جهت بازجویی به دادگاه انقلاب فراخوانده شدند. از بازداشت‌های کوتاه‌مدت تا

حقوقی کودکان در ایران (تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۶)؛ حقوق زن در قوانین جمهوری اسلامی ایران (تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵).

از جمله آثار شهلا لاهیجی عبارت است از تصویر زن در آثار بهرام بیضایی (تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۶۸)؛ شهلا لاهیجی و مهرانگیز کار، پژوهشی در هویت تاریخی زنان (تهران: توسعه، ۱۳۷۱).<sup>۸</sup> برای اطلاع بیشتر در خصوص کمپین یک میلیون امضا به سایت تغییر برای برابری، مدرسه فمینیستی و سایت تا قانون خانواده برابر مراجعه کنید: [www.feminism.school.com](http://www.feminism.school.com); [www.wechange.org](http://www.wechange.org)

بلندمدت، مانند عالیله اقدام دوست که به دلیل همکاری با کمپین به تازگی پس از گذراندن ۳ سال حبس، از زندان اوین آزاد شده است.

همین طور مردان جوان متعددی به کمپین یک میلیون امضا پیوستند و کمیته مردان حامی آن را تشکیل دادند و با نگارش مقالاتی در جهت حقوق برابر زن و مرد به طرح دیدگاه برابری خواهانه پرداختند و حتی برخی از آنها مانند کاوه مظفری و امیر رشیدی به خاطر این همکاری بازداشت شدند.

نکته مهم دیگر در مورد کمپین یک میلیون امضا، شکل سازماندهی آن است. کمپین فاقد سازماندهی عمودی از بالا به پایین بود. این مجموعه دارای ساختاری افقی، شبکه‌ای و منعطف بود و شبکه‌ها و کمیته‌های متعدد آن دارای استقلال رأی بودند که همین ویژگی ساختاری آن موجب تشکیل کمپین یک میلیون امضا در بسیاری از استان‌ها و برخی شهرستان‌ها مانند اصفهان، شیراز، تبریز، قزوین، قم، کرمانشاه، سنج، و غیره شد. نکته مهم در مورد این کمپین همکاری زنان متعلق به نسل‌های مختلف است که همچنان ادامه دارد. در حالی که در بین روشنفکران مرد به ندرت کار مشترک بین گروه‌های سنی مختلف انجام می‌شود و اگر هم انجام شود، گروه‌های جوان در سایه نگاه از بالا به پایین و پدرسالارانه قرار می‌گیرند. مردان کهنه‌کار روشنفکر در جایگاه تربیت‌کننده و مردان جوان روشنفکر در جایگاه تربیت‌شونده قرار می‌گیرند. در حالی که دو دهه فعالیت زنان با گروه‌های مختلف سنی، فکری، قومی، مذهبی نشان از رویه‌ای منعطف و دور از اشکال سلطه دارد.

### کمپین قانون بدون سنگسار

از دیگر چهره‌های تأثیرگذار زنان روشنفکر، شادی صدر است. شادی صدر روزنامه‌نگار و حقوق‌دانی است که به همراه محبوبه عباس قلی‌زاده و آسیه امینی و جمعی از زنان فعال همراه خود، سایت میدان زنان را راه‌اندازی کردند. صدر، سازمان غیردولتی و کلای راهی را تأسیس کرد ولی مهم‌ترین کار شادی صدر بر پای کمپین قانون بدون سنگسار بود. تا آن زمان بسیاری بر این عقیده بودند که سنگسار یک حکم قرآنی است و امکان نقد این قانون وجود ندارد؛ اما شادی صدر بنای نقد آن را گذاشت. او با برپایی کمپین قانون بدون سنگسار، موجی از اعتراض و مخالفت با این قانون را بر پا کرد. شادی صدر حرف زدن و اظهار نظر در مورد سنگسار را با طرح پرسش‌های جدی از اساتید فقه و حقوق به متن جامعه کشاند و در این راه تعدادی از مراجع دینی مجبور به اظهار نظرهای صریح در این رابطه شدند.

البته در این زمان افراد مختلفی خصوصاً روزنامه‌نگاران با نگارش مقالات متعدد به نقد قانون سنگسار پرداختند و تا حدود زیادی اجرای این قانون را با مانع افکار عمومی مواجه کردند.<sup>۹</sup>

شادی صدر و محبوبه عباس قلی‌زاده کمپین‌های متعددی مانند طرح امنیت اجتماعی، تحصیل سهم من نیست، حق من است، نه گفتن به لایحه حمایت از مردان در خانواده، و دفاع از حق ورود به ورزشگاه‌ها را به راه انداخت ولی تأثیر او در کمپین قانون بدون سنگسار، موجی است که هنوز هم فروکش نکرده است. شادی صدر به دلیل فعالیت‌هایش به دفعات متعدد بازداشت و بازجویی شد.

### ائتلاف بر علیه لایحه حمایت از خانواده

در سال ۱۳۸۷ ائتلافی بزرگ از کلیه فعالین زن به اضافه حضور گسترده شاخه زنان حزب مشارکت مانند فخرالسادات محتشمی‌پور، الهه کولایی، الهه مجردی، شهین دخت مولاوردی و نیز فائزه هاشمی از حزب کارگزاران تا مریم بهروزی از حزب جامعه زینب که در کلیه انتخابات مجلس در لیست احزاب راست قرار داشته، ائتلافی بر علیه لایحه حمایت از خانواده تشکیل شد. در این ائتلاف، بیشترین مخالفت با ماده ۲۳ این لایحه بود که اجازه ازدواج مجدد مرد را در صورت اثبات توانایی مالی وی به دادگاه واگذار کرده بود، ابراز شد.

فعالین زنان در یک حرکت اعتراضی در مقابل مجلس خواستار دیدار با نمایندگان زن مجلس نهم شدند و طی دیداری نه چندان دوستانه با نمایندگان زن مجلس اعتراض خود را به دو ماده ۲۳ و ۲۵ آن لایحه اعلام کردند. پس از آن اعتراض، هم‌زمان با طرح لایحه حمایت از خانواده در مجلس، زنان متعدد با گرایش‌های متنوع فکری و سیاسی با شرکت در یک نشست خبری با حضور نوشین احمدی خراسانی، مینو مرتاضی، زنان حزب مشارکت مانند فخر السادات محتشمی‌پور، شهین دخت مولاوردی، مریم بهروزی و فائزه هاشمی، و بسیاری دیگر از زنان فعال در این احزاب اعتراض خود را به این لایحه اعلام کردند. مریم بهروزی در این نشست خبری گفت: روح حاکم بر این ماده قانونی، روح دینی و اسلامی نیست و اسلام بر تک‌همسری تأکید دارد و عرف و فرهنگ جامعه ایران نیز با تک‌همسری موافقت دارد. فائزه هاشمی نیز که در این نشست حضور داشت، اظهار کرد: "در صورتی که دادگاه به هر دلیلی به مرد اجازه ازدواج مجدد را بدهد باید به زن هم حق طلاق داده شود." این اعتراض‌ها



باعث شد که روزنامه‌نگاران و حقوق‌دانان زیادی در مورد این لایحه اظهار نظر و مخالفت خود را اعلام کنند و مقالات متعدد، سخنرانی‌ها، و مصاحبه‌های فراوان از طرف زنان فعال انجام شد و نمایندگان مجلس مرتباً به پاسخگویی دعوت می‌شدند و نمایندگان زن مجلس به بی‌مسئولیتی در قبال جامعه و خصوصاً زنان متهم می‌شدند. ائتلاف، ائتلافی موفق بود و همه این تلاش‌ها موجب شد که مجلس از تصویب این لایحه عقب‌نشینی کند.<sup>۱۰</sup>

## همگرایی زنان در انتخابات ۸۸

۵ اردیبهشت ۸۸ فعالین جنبش زنان با صدور بیانیه‌ای آغاز پروژه همگرایی جنبش زنان را اعلام کردند. این همگرایی به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و برای استفاده از این فرصت جهت طرح مطالبات زنان بر پا شد ولی این بار فعالین زنان، مطالبات جدی‌تری را مطرح کردند.

دو خواسته محوری این همگرایی، پیوستن ایران به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و بازنگری و اصلاح قانون اساسی به منظور گنجاندن اصولی که حامل برابری و عدالت جنسیتی در قانون اساسی باشد، بود. در این همگرایی ۴۰ تشکل و ۷۰۰ تن از فعالان مدنی گرد هم آمدند.

این همگرایی با یک نشست خبری در دفتر انتشارات روشنگران با مدیریت شهلا لاهیجی آغاز شد. در این نشست سیمین بهبهانی، اعظم طالقانی، شهلا اعزازی، شهلا لاهیجی، الهه کولایی، و فرزانه طاهری با تأکید بر خواست پیوستن ایران به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و نیز بازنگری اصل ۱۹، اصل ۲۱، و اصل ۱۱۵ قانون اساسی تأکید کردند. از ۵ اردیبهشت تا ۱۸ خرداد، یعنی ۴ روز مانده به انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ اعضای این همگرایی هر هفته یک جلسه برگزار می‌کردند و در هر یک از این جلسات به موضوعی پرداخته می‌شد. برای نمونه در یکی از جلسات مطرح شد که از نامزدهای انتخاباتی می‌خواهیم که به رد صلاحیت زنان داوطلبی که کاندیدای ریاست جمهوری بودند، اعتراض کنند. زنان با برگزاری چندین تجمع در خیابان ولی‌عصر و منطقه تجریش اعلام کردند که ما به نامزدهایی رأی می‌دهیم که مطالبات زنان را پی‌گیری کنند.

در خصوص شناخت کنوانسیون رفع تبعیض از زنان کارگاه‌های متعددی در شهرهای مختلف برگزار شد. در همگرایی زنان، کمیته‌ای جهت ملاقات با نامزدهای

ریاست جمهوری تشکیل شد و طی ملاقاتی جمعی از فعالین زن، مطالبات زنان با آنها در میان گذاشته شد. جزوات تهیه‌شده جهت آشنایی شهروندان با پیمان‌نامه رفع تبعیض علیه زنان، با استقبال بی‌سابقه‌ای مواجه شد. سرانجام در روز ۱۸ خرداد با برگزاری نشست در دفتر اعظم طالقانی با حضور همه زنان فعال در همگرایی و جمع‌بندی تلاش دو ماهه زنان، پایان همگرایی اعلام شد.<sup>۱۱</sup>

## همگرایی سبز در اعتراض به انتخابات

بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و اعلام نتایج انتخابات و اعتراضات گسترده مردم به نتایج انتخابات، فعالین زنان نیز با حضور گسترده‌ای اعتراض خود را به تقلب در انتخابات اعلام کردند و به نگارش مقالات متعدد در سایت‌های زنان و برگزاری چندین نشست پرداختند. این بار این نشست‌ها با حضور زهرا رهنورد و نیز زنان فعال در جبهه مشارکت برگزار می‌شد و در هر یک از این نشست‌ها نیز بیانیه‌ای تنظیم و به امضای تک‌تک آنها بر علیه بازداشت‌ها، خشونت سازمان‌یافته علیه مردم و فعالین زنی که بازداشت شده بودند، علیه جنگ و موارد دیگر صادر شد. برخی از این جلسات هم در خانه زندانیان زن برگزار می‌شد، مانند خانه نسرين ستوده که در نبود وی پذیرای جلسات زنان بوده است. هاله سحابی که در مراسم تشییع پدر خود عزت‌الله سحابی به قتل رسید، از فعالین جنبش زنان بود که در اعتراضات خیابانی پس از انتخابات دو بار بازداشت شد و سرانجام نیز در مراسم به خاک‌سپاری پدر جان خود را از دست داد.

## چهره‌های آکادمیک جنبش زنان

جنبش زنان بیشتر از آنکه با چهره‌های دانشگاهی آن شناخته شود با فعالین و کنشگرانش شناخته می‌شود و رجوع زنان تحصیل‌کرده اعم از دانشجوی، روزنامه‌نگار، هنرمند و غیره به آراء و نظرات فعالین زنان بیشتر است تا به چهره‌های آکادمیک آن.

در سال‌های اخیر آقندر که «روشنفکران میانجی» در قالب زنان روزنامه‌نگار، حقوق‌دان، و نویسنده مورد

<sup>۱۰</sup> برای اطلاع بیشتر از قانون بدون سنگسار ببینید: [www.meydan.org](http://www.meydan.org)  
<sup>۱۱</sup> برای اطلاع بیشتر ببینید: نوشین احمدی خراسانی، همگرای سبز (تهران: مدرسه فمینیستی، ۱۳۹۱)؛ نیره توحیدی، «فرا تر از فمینیسم اسلامی»، زنگ هفتم، ویراسته نوشین احمدی خراسانی (تهران: مدرسه فمینیستی، ۱۳۹۰).

[www.feministschool.com](http://www.feministschool.com); [www.wecheng.org](http://www.wecheng.org)

<sup>۱۱</sup> برای اطلاع بیشتر ببینید: نوشین احمدی خراسانی، همگرای سبز (تهران: مدرسه فمینیستی، ۱۳۹۱)؛ نیره توحیدی، «فرا تر از فمینیسم اسلامی»، زنگ هفتم، ویراسته نوشین احمدی خراسانی (تهران: مدرسه فمینیستی، ۱۳۹۰).



توجه نسل جوان و تحصیل کرده زنان شده، چهره‌های آکادمیک آن راهی به بدنه جنش زنان پیدا نکردند. چنان‌که در بین چهره‌های آکادمیک زنان نیز نیره توحیدی و شهلا اعزازی چهره‌های شناخته شده‌تر و مراجعه به آراء آنها بیشتر از دیگر همتایان دانشگاهی خود است. یکی از دلایل ناشناخته بودن چهره‌های دانشگاهی زنان در ایران فقدان ارتباط تنگاتنگ و عمیق میان فعالین جنش زنان و چهره‌های دانشگاهی در انجام پروژه‌های مشترک است. تلاش فکری و نظری در خصوص تقویت وجه تئوریک و ایده‌پردازی و برقراری دیالوگی مستمر بین این دو طیف تاکنون مشاهده نشده است. در واقع زنان روشنفکر آکادمیک بیشتر از آنکه به طرح و تقویت وجه تئوریک جنش زنان پردازند، بیشتر در حال توصیف و توضیح وضعیت و چگونگی جنش زنان در ایران هستند. مقالات متعدد و ارزشمند نیره توحیدی<sup>۱۲</sup> و آزاده کیان<sup>۱۳</sup> بیشتر در چارچوب توصیف روند این جنش است تا بر طرف کردن ضعف تئوریکی که از جانب برخی از آنان به عنوان نقاط ضعف جنش زنان در ایران مطرح می‌شود.

### ائتلاف‌های اجباری

عده‌ای بر این باورند که ائتلاف‌های متعدد زنان ناشی از شرایط خاص جامعه ایران بوده و اکنون که بسیاری از فعالان زن در خارج از کشور هستند ما شاهد پراکندگی و اجرای پروژه‌های فردی در بین آنها هستیم. این سوال را از جوانب مختلف می‌توان بررسی کرد و به پاسخ‌هایی دور از تعصب رسید.

الف- یکی از دلایل پراکندگی فعالین جنش زنان در خارج از کشور می‌تواند این باشد که هریک از ائتلاف‌های زنان با طرح یک گفتمان جدید همراه بوده است. هم‌اندیشی زنان بر فصل‌های مشترک زنان و بی‌توجهی به تفاوت‌ها تأکید داشت، کمپین یک میلیون امضا با تأکید بر گفتمان برابری حقوقی برپا شد، و اعتراض به لایحه حمایت از خانواده، با گسترش دایره ائتلاف و اعتراض به قانون چندمسری شکل گرفت، ائتلافی که یک سر آن نوشین احمدی خراسانی و سر دیگر آن مریم بهروزی بود. همگرایی زنان بر مطالبه‌محوری و خواست پیوستن ایران به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان و اصلاح بندهایی از قانون اساسی تأکید داشت.

فضای آشفته ایران امروز به بی‌ثباتی و تزلزل بیشتر نزدیک می‌شود. بحران امروز زنان مهاجر بیشتر بحران انسداد فضای سیاسی ایران است تا بحران فعالان یک جنش.

ب- آنهایی که بر این عقیده هستند که ائتلاف زنان روشنفکر متعلق به گرایش‌های گوناگون از روی اجبار شرایط بوده، خوب است که به این نکته مهم توجه داشته باشند که همین اجبار شرایط جامعه برای مردان هم بوده. اگر صرف شرایط سیاسی موجبات همگرایی‌های متعدد زنان را پیش آورده، این شرایط می‌توانسته برای مردان هم زمینه‌های همگرایی‌های متعدد را پیش بیاورد، در حالی که در مورد مردان روشنفکر چنین نبوده است و شاید جنش اعتراضی سال ۸۸ را نمونه‌ای کمیاب از همگرایی آنها بتوان دانست.

### نحله‌های متنوع جنش زنان

از اولین جلسات هم‌اندیشی، چهره‌هایی در نشست‌های هم‌اندیشی و بعد از آن در جلسات کمپین و دیگر ائتلاف‌ها مشاهده می‌شد که حکایت از عقاید و باورهای متنوعی داشت. در واقع روشنفکران زن را، که حول محور خواسته‌های زنان دور هم جمع می‌شدند، می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: گروه نخست افرادی چون پروین اردلان، رضوان مقدم، خدیجه مقدم، نوشین احمدی خراسانی، و منصوره شجاعی با داشتن عقاید چپ در این نشست‌ها حاضر می‌شدند.

گروه دوم را می‌توان فمینیست‌های لیبرال نامید که کسانی چون شای صدر، محبوبه عباس‌قلی‌زاده، و فاطمه فرهنگ‌خواه را در بر می‌گیرد. سرانجام کسانی هم با داشتن عقاید و باورهای مذهبی در این نشست‌ها حضور فعال داشتند و با جدیت بر این عقیده بودند که باورهای اسلامی آنان، منافاتی با برابری جنسیتی ندارد و متن دینی خود را کاملاً برای طلبانه تلقی می‌کنند. در نتیجه می‌توان این افراد را در چارچوب فمینیست‌های اسلامی تعریف کرد. گروه فمینیست‌های اسلامی خود به دو شاخه فکری تقسیم می‌شوند: الف) زنان نواندیش مسلمان و ب)

<sup>۱۲</sup> نیره توحیدی، «فراتر از فمینیسم اسلامی».

<sup>۱۳</sup> آزاده کیان، «جنش زنان و جنش سبز در کنار هم و به هم پیوند خورده‌اند: مصاحبه مژگان مدرس علوم با آزاده کیان»، جنش راه سبز، ۱۸ اسفند ۱۳۸۹: <<http://www.rahesabz.net/story/33880/>>؛ «فمینیست‌های مسلمان و سکولار در ایران»، سایت تهران ریویو ۲۶ / ۲ / ۸۹: <http://tehranreview.net/>

<sup>۱۴</sup> این تفاسیر زنان نواندیش مذهبی بیشتر تحت تأثیر آثار مهدی بازرگان، علی شریعتی، و عبدالعلی بازرگان بوده است.

زنانی که تا سال‌های طولانی، حداقل تا دهه ۷۰ جزو حامیان جدی جمهوری اسلامی بودند.

از آنجایی که برخی از فمینیست‌های ایران منکر وجود پدیده‌های بنام فمینیست‌های اسلامی در ایران هستند. در این بخش از مقاله به توضیحاتی در خصوص این نحله از فمینیست‌ها در ایران می‌پردازم.

الف) زنان نواندیش مسلمان، کسانی هستند که سوابق طولانی در داشتن ایده‌های اسلامی دارند ولی با قرائت نواندیشانه. این قرائت نواندیشانه زنان تحت تأثیر چهره‌هایی مانند مهندس بازرگان، دکتر شریعتی، آیت الله طالقانی، عبدالعلی بازرگان و دکتر حبیب‌الله پیمان است. در بین این زنان معمولاً نظرات انتقادی نسبت به آیات تعدد زوجات، برتری مردان بر زنان، و قبول نداشتن شهادت یک زن، مطرح می‌شد و این افراد هم بلافاصله جغرافیای زمانی و مکانی این آیات را توضیح می‌دادند؛ ولی صدای این انتقادات صدایی بلند نبود، بلکه رگه‌های انتقادی کم‌رنگی بود که مانند یک موج کوتاه می‌آمد و به آسانی هم می‌رفت.

البته این تفاسیر از طرف مردان نواندیش مسلمان مطرح می‌شد و هنوز هیچ زنی وارد مواجهه مستقیم با متن قرآن نشده بود و نظرات مردان مفسر از زبان زنان تکرار می‌شد ولی علی‌رغم آن، این افراد بر این عقیده بودند که در قرآن، آیات متعددی وجود دارد که زنان و مردان را به طور یکسان مورد خطاب قرار داده است و نیز سوره‌هایی مانند سورهٔ مریم و یا داستان ملکه سبا و آیات فراوانی که این زنان با تأکید بر آنها مطرح می‌کردند که نگاه اصلی و محوری قرآن نسبت به زنان را از این آیات که به لحاظ کمیت تعداد فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد، باید استنباط کرد.<sup>۱۴</sup>

آنها جهت‌گیری محتوای کلی قرآن را برابر محور تلقی می‌کنند و حتی سخن از نسخ برخی آیات به میان می‌آورند که در دنیای امروز کاربرد ندارند. آنان، نسخ آیات احکام‌محور قرآن در مورد زنان و برخی مجازات‌های بدنی که قوانین مرسوم آن دوره بوده را به میان می‌آورند ولی این موضوع به دلیل شرایط سیاسی این چند دهه از موضوعاتی نبود که امکان طرح علنی آن وجود داشته باشد. این بحث‌ها، بحث‌هایی حاشیه‌ای و کم‌رنگ بود که گاه در جلسات خصوصی مطرح می‌شد و دوباره خاموش می‌گشت. ولی این حساسیت‌ها و سؤالات همچنان وجود داشت. نکتهٔ دیگر در خصوص این نحله از فعالین زنان این است که اینان سه دهه درگیری و چالش جدی با جمهوری اسلامی را در پرونده خود دارند و اغلب آنها سابقه

بازداشت، احضارهای متعدد، و رویارویی با حکومت دینی را دارند. (مانند مینو مرتاضی، دکتر ناهید توسلی، مهندس ژیلا شریعت‌پناهی، فاطمه گوارایی، و زنده‌یاد هاله سحابی)

ب) گروه دوم زنانی هستند که تا مدت‌های طولانی طرفدار حکومت اسلامی و ولایت فقیه بودند، ولی عینی شدن تبعات قوانین تبعیض‌آمیز در جامعه، در زندگی شخصی خود آنان و نزدیکانشان به این زنان، جرأت نقد و پرسش از قوانین فقهی را داد. به عنوان مثال زنانی که همسران خود را در جنگ از دست داده بودند، خانوادهٔ همسر به راحتی کودکان این زنان را از آنها جدا می‌کردند، خصوصاً زمانی که آنها تصمیم بر ازدواج مجدد می‌گرفتند. چرا که طبق اسلام فقهی بعد از پدر، جد پدری به عنوان سرپرست قانونی کودک محسوب می‌شود در نتیجه این زنان با اعتقاد کامل به حکومت اسلامی و ولایت فقیه جزء اولین کسانی بودند که ضربهٔ قوانین تبعیض‌آمیز را خوردند و یا در مورد تعدد زوجات بسیاری از این زنان اولین گروه‌هایی بودند که باید چندهمسری را به عنوان یک حکم الهی تحمل می‌کردند. خشونت جنسی را به عنوان یک تکلیف الهی بر زنان باید می‌پذیرفتند و به هر نوع رابطهٔ ناخواسته تن می‌دادند. یا اطاعت زنان از مردان که مرتباً از طریق رسانه‌های عمومی و روحانیت به زنان گوشزد می‌شد. آنان از جمله کسانی بودند که مجبور به پذیرفتن این بایدها و نبایدها بودند.

تحمل این ضربات از سوی زنان از یک طرف و ورود آنها به دانشگاه‌ها آنها را با موضوعات مختلفی از علوم انسانی مواجه کرد و باعث طرح پرسش‌های جدی و سر باز کردن زخم‌هایی شد که حاصل تجربه‌های شخصی بودند. زنان مسلمان روشنفکر به تدریج دریافتند که انقلاب و نظامی که عمیقاً به آن معتقد بودند، حقوق اولیهٔ انسانی آنها را نشانه رفته است. این زنان از طرفی در مواجهه با دانش حقوق بشری و از طرف دیگر در مواجهه با قرائت نواندیشانه از دین و تحت تأثیر ایده‌های برابری جنسیتی، علی‌رغم انتقاد به احکامی که حکایت از نادیده گرفتن حقوق انسانی آنها داشت، همچنان دین‌باور بودند و در بازگشت مجدد آنها به متن دینی، با تکیه بر آیاتی که از آن برابری جنسیتی را برداشت می‌کنند برای اولین بار به مواجهه بدون واسطه با قرآن اقدام کردند و در این مواجهه بدون واسطه و مستقیم، به خوانش و بازنگری این آیات پرداختند و در این بازنگری بر این ایده تأکید می‌کنند که قرآن بر اصل برابری تمام انسان‌ها تأکید می‌کند و ایده‌های مردسالارانه مانع دیده شدن این پیام شده است

و احکام اسلامی با رفتارهای تبعیض‌آمیز زمان خود ترکیب شده است

به فمینیسم اسلامی که از جانب چهره‌هایی چون شهلا شفیق،<sup>۱۷</sup> هایده مغیثی،<sup>۱۸</sup> نیلوفر شیدمهر،<sup>۱۹</sup> و برخی دیگر مطرح شده، بدین شرح است: اسلام و فمینیسم هیچ‌گونه بسترهای معنایی و متنی مشترکی ندارند ولی فمینیسم با لیبرالیسم یا مارکسیسم دارای اشتراکات معنایی و متنی هستند. فمینیست‌های مارکسیست در مراحل مختلف اقدام به نقدهای ساختارشکنانه نسبت به ایدئولوژی خود داشتند در حالی که فمینیست‌های اسلامی چنین رویه‌ای را هرگز پیش نرفتند. عده‌ای به رسمیت شناختن فمینیسم اسلامی را نوعی مرجعیت‌بخشی مجدد به اسلام و متون اسلامی می‌دانند. آنان بر این باورند که ترکیب فمینیسم و اسلام به نوعی اشاره به حقیقت‌مندی قرآن دارد و باور به این حقیقت‌مندی در واقع نوعی مرجعیت‌بخشی مجدد به اسلام و متون اسلامی است.

این زنان و زنان نواندیش مسلمان بر این نکته تأکید دارند که احکام قرآن حدود ۷ درصد از کل آیات قرآن را به خود اختصاص داده و از این ۷ درصد، ۴ درصد مربوط به زنان است که البته قبل از اسلام نیز وجود داشته و از آنجایی که روش پیامبر، اصلاحی بوده و او تلاش کرد تا قوانین زمان خود را محدود و یا سبک کند، این قوانین دیگر در دنیای امروز کاربرد ندارند و در نتیجه قابل نسخ هستند. نوع نگاه قرآن به زنان را باید از آیات دیگر آن که ۹۳ درصد آیات را به خود اختصاص داده، جستجو کرد که در آن ۹۳ درصد همه جا زن و مرد هم‌طراز با هم آمده‌اند و روی سخن آیات قرآن، هم با زنان است و هم با مردان.<sup>۱۵</sup>

در خصوص این دو گروه از زنانی که مجموعه فمینیست‌های مسلمان را تشکیل می‌دهند، دو نکته قابل ذکر است. اول آنکه ایده برابری جنسیتی در بین این دو دسته از زنان فقط برخاسته از قرآن نیست بلکه منابع متعددی مانند نظرات فمینیستی، دانش حقوق بشری، حضور در فضاهای روشنفکرانه و کسب آگاهی در حوزه‌های مختلف، تحصیلات دانشگاهی، شرایط تعمیق آگاهی آنها را فراهم آورده است. در نتیجه نظرات برابری جنسیتی نزد ایشان برآمده از چند منبع است، نه صرفاً از متن مذهبی. دوم آنکه رگه نه چندان کم‌رنگی از عبور از متن مذهبی و ورود به عرصه معناگرایی تا باورمندی حتمی و موبه‌مو به یک متن مذهبی در برخی از این زنان نیز دیده می‌شود.

### مخالفان و موافقان فمینیسم اسلامی

برخی از مخالفان فمینیسم اسلامی، پسوند اسلامی را برای جریان ریشه‌داری چون فمینیسم، نوعی فرصت‌طلبی بهره‌کشانه از این واژه و جریان می‌دانند. نیلوفر شیدمهر به نقل از مهرداد درویش‌پور، فمینیسم اسلامی را به بستن گاری در جلوی اسب تشبیه کرده است.<sup>۱۶</sup> بیشترین انتقادات

شهلا شفیق پدیده فمینیسم اسلامی را ابداع غربی‌ها خوانده و شکل‌گیری چنین پدیده‌ای را به رسمیت نمی‌شناسد. او حتی در بخشی از مصاحبه‌اش با نشریه چارلی هیدو می‌گوید که زنان اسلام‌گرا تنها خواستار اصلاحاتی در دین و شریعت بودند و آنها به هیچ وجه فمینیست نبودند. اتفاقاً آنها فمینیسم را جزئی از امپریالیسم غرب می‌دانستند.

با بررسی نظرات مخالفان فمینیسم اسلامی به یک نکته مشترک و یا بهتر بگویم یک دغدغه مشترک در بین نظرات این افراد می‌بینیم و آن دغدغه این است که جملگی از شکل‌گیری و روتوش کردن اسلام سیاسی، این بار به دست فمینیست‌های اسلامی در هراسند و این هراس باعث می‌شود که نتایج مثبت چنین پدیده‌ای را نادیده بگیرند. در حالی که همین افراد چنین نظراتی را در مورد فمینیست‌های مسیحی هرگز مطرح نکرده‌اند و آن را به عنوان شاخه‌ای از فمینیسم پذیرفته‌اند.

اما موافقان فمینیسم اسلامی بر این عقیده هستند که فمینیسم می‌تواند گرایش‌های فکری متنوعی را در

<sup>۱۵</sup> مهدی بازرگان، سیر تحول محتوایی قرآن (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۸).

<sup>۱۶</sup> نیلوفر شیدمهر، «فمینیست‌های اسلامی و اصلاح‌طلبان»، سایت رادیو زمانه، ۲۰۱۱/۱۱/۲۸: www.radiozamaneh.com

<sup>۱۷</sup> شهلا شفیق، «فمینیسم اسلامی و ابداع غرب»، هفته‌نامه چارلی هیدو، سایت شهرگان ۲۰۱۱/۵/۴: http://shahrgon.com/

<sup>۱۸</sup> هایده مغیثی، «فمینیسم اسلامی، چشم اندازها و تناقض‌ها»، مدرسه فمینیستی (زن‌گ هفتم): www.feminist school.com

<sup>۱۹</sup> نیلوفر شیدمهر، «فمینیست‌های اسلامی و اصلاح‌طلبان»، سایت رادیو زمانه ۲۰۱۱/۱۱/۲۸: www.radiozamaneh.com

<sup>۲۰</sup> فریده ماشینی، «ترکیب فمینیسم و اسلام و شکستن یک تابو در جوامع اسلامی»، سایت مدرسه فمینیستی ۲۰۱۱/۷/۱۲: www.feminism school.com

<sup>۲۱</sup> نیره توحیدی، «فراتر از فمینیسم اسلامی»، مدرسه فمینیستی (زن‌گ هفتم): www.feministschool.com

<sup>۲۲</sup> آزاده کیان، «همبستگی فمینیست‌های مسلمان و سکولار در ایران»، سایت

درون خود بپذیرد و جنبش‌های متعددی با الهام از آن شکل گرفته‌اند. در واقع موافقان فمینیسم اسلامی بیشتر از هر چیز به نتایج و تأثیرات فمینیسم اسلامی توجه و تأکید دارند. فریده ماشینی هم یکی از زنان فمینیست اسلامی است که پدیده فمینیسم اسلامی را یک نوع تابوشکنی می‌داند و ترکیب این دو پدیده را امری مبارک تلقی می‌کند.<sup>۲۰</sup> چهره‌هایی چون نیره توحیدی،<sup>۲۱</sup> آزاده کیان،<sup>۲۲</sup> زیبا میرحسینی،<sup>۲۳</sup> فریده ماشینی،<sup>۲۴</sup> بر این عقیده‌اند که فمینیسم اسلامی شرایط تفسیرهای زنان، بر پایه تجارب زنانه را ممکن می‌سازد و چنین امکانی جز در این سال‌های اخیر هرگز وجود نداشته است.

مارگرت بدران محقق مصری تبار امریکایی بر این عقیده است که فمینیسم اسلامی به مردم برای ایجاد یک نیروی عظیم برای تغییر حکومت و جامعه کمک می‌کند. او معتقد است که فمینیسم اسلامی شرایط برابری و ایجاد فرصت‌های مساوی را برای زنان مهیا می‌سازد و به عقلانی‌تر شدن جامعه کمک می‌کند. بدران بر این عقیده است که فمینیسم اسلامی شرایط گفتگوی مسلمانان با مسلمانان را فراهم می‌آورد. فمینیسم اسلامی یک ایده آگاه‌سازی بر اساس بازخوانی قرآن است، یک روند بازنگری و تجدیدنظر در ایده‌های مذهبی است و چهره‌های مشخص وجدی آن در سراسر کشورهای اسلامی وجود دارند مانند بسیم آرات در ترکیه، شیما شیخ در آفریقا، امینا ودود، رفعت حسن، و فاطمه نسیف از عربستان.<sup>۲۵</sup>

اما نکته مهمی که در بررسی و مطالعه فمینیست‌های اسلامی باید بدان توجه کرد این است که، آیا این زنان صرفاً با تکیه بر یک منبع که قرآن باشد ایده‌های برابری جنسیتی خود را مطرح می‌کنند یا، آنکه چندمنبعی هستند؟ اگر با تکیه بر منابع متعدد فمینیستی و نیز متن دینی خود به نقد سلطه، خشونت، مردسالاری و نابرابری می‌پردازند، نگرانی و هراس فمینیست‌های لائیک بی‌مورد است زیرا آنها به آگاهی عمیق جنسیتی دست یافته‌اند. اما اگر صرفاً با

تأکید بر یک منبع، آن هم منبع دینی خود، با نابرابری مخالفت می‌کنند، به جای نادیده گرفتن تلاش آنها و حتی نادیده گرفتن خود آنها، باید به آنان در تعمیق آگاهی جنسیتی‌شان کمک کرد؛ و از خاطر نبریم که دیگر دوره یکسان‌فکری گذشته است. زمانه، زمانه تکرر و تنوع است.

### مهاجرت فعالین زنان

تشکیل کانون‌های متعدد، کمپین‌های متنوع، نوشتن کتاب‌ها و مقالات فراوان در خصوص زنان به تدریج آگاهی و برابری‌خواهی و حقوق برابر داشتن را بر زمین آماده اندیشه زنان نشانده و فراگیر شدن مطالبات زنان، به شدت مورد خشم دولت احمدی‌نژاد و دستگاه‌های اطلاعاتی او قرار گرفت. بعد از انتخابات سال ۸۸ اعتراض مردم به نتیجه انتخابات سال ۸۸ و نیز همراهی فعالین زن در آن اعتراض‌ها، دستگاه‌های اطلاعاتی را بر آن داشت که فشار بازداشت‌ها و سرکوب زنان و نیز ممانعت جدی از هرگونه فعالیت زنان را در دستور کار خود قرار دهد، تا آنجا که کوچک‌ترین تحرک زنان، آنان را راهی زندان اوین و بند ۲۰۹ آن می‌کرد، لذا برخی از فعالین زن به مرور، رفتن را بر ماندن ترجیح دادند، تا در فضایی دور از شرایط سرکوب و اختناق به فعالیت خود ادامه دهند.

کارنامه چندساله مهاجرین زن در سال‌های اخیر که البته مدت مهاجرت اکثریت آنان به ۵ سال هم نمی‌رسد، حاکی است از نوعی پراکنده‌کاری و مشغول شدن هریک به پروژه‌های فردی که البته این پروژه‌های فردی باز هم در خصوص زنان و مطالبات آنان است. پروژه‌های جمعی جدی بین این زنان هنوز شکل نگرفته است که در خصوص دلایل آن به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

الف- پراکندگی آنان در کشورهای مختلف.

ب- نداشتن یا نرسیدن آنان به یک گفتمان جدید، به یک ایده نو که منجر به پروژه جمعی جدید شود.

ج- رفت و برگشت ایرانیان اعم از زن و مرد بین پروژه‌های فردی و جمعی.

اما فقدان یک ایده جدید شاید از محوری‌ترین دلیل پراکندگی زنان مهاجر باشد. از آنجایی که ایده‌ها و پروژه‌های اجرا شده توسط زنان در یک دهه گذشته در چارچوب مطالبات قانونی و علنی تعریف شده بود و در شرایط امنیتی امروز زنان نیازمند ایده‌ای مطابق شرایط امروز ایران هستند که آن ایده هنوز شکل نگرفته است.

تهران ریویو، ۸۹/۲/۲۴، <http://tehranreview.net/>

<sup>۲۳</sup> زیبا میرحسینی، "فمینیسم اسلامی طرحی برای آزادی زن مسلمان"، مدرسه فمینیستی (زنگ هفتم) ۱۳۸۹/۳/۱۷.

<http://www.iranianfeministschool.com/spip.php?article5036>

<sup>۲۴</sup> فریده ماشینی، "ترکیب فمینیسم و اسلام، شکستن یک تابو در جوامع اسلامی"، سایت مدرسه فمینیستی ۱۳۹۰/۷/۱۲: [www.feministschool.com](http://www.feministschool.com)

<sup>۲۵</sup> مارگرت بدران، "فمینیسم اسلامی چه می‌گوید؟" سایت زنستان ۱۳۸۶/۷/۱۵.

[www.zanestan.net](http://www.zanestan.net)



## کلام آخر

خواهد بود؟ زمانی که هنرپیشه، کارگردان سینما، کاریکاتوریست، شاعر، نویسنده جملگی تحت فشار هستند، فعالین جنبش زنان چگونه خواهند توانست با روش‌های صلح‌آمیز و ضدخشونت به فعالیت خود ادامه دهند؟

اما پاسخ بسیاری از فعالان جنبش زنان، همچنان تأکید بر روش‌های غیرخشونت‌آمیز است. آنها بر این عقیده‌اند که اعمال خشونت از طرف زنان برابری‌خواه به منزله به گردش درآوردن چرخه خشونت است. آنها عمیقاً معتقدند که هرگز جنبش زنان نباید پیشگام به گردش در آوردن چرخه خشونت شود، خشونتی که سال‌ها جامعه ما را دستخوش ابعاد مختلف خود نموده و فجایع ریز و درشتی را رقم زده است.

با نگاهی به گذشته، به روشنی خواهیم دید که، چه جنبش‌های سیاسی و چه جنبش‌های مدنی، زمانی که خود را محدود به یک روش مبارزه می‌کنند، دستگاه‌های سرکوب به راحتی می‌توانند آنها را کنترل و از فعالیت باز دارند ولی جنبش‌هایی که با روش‌های متنوع رویارویی با دولت‌های اقتدارگرا آشنا هستند کنترل و به انزوا کشیدن آنها دشوار خواهد بود. جنبش زنان در ایران امروز بهتر است به روش‌های تنوع فعالیت و تعمیق ایده‌های خود بیندیشد. ایده برابری، همزیستی مسالمت‌آمیز در سایه حقوق برابر، زیستن منهای خشونت و منهای سلطه بهترین تشخیص برای جامعه‌ای است که مبتلا به بیماری‌های متعدد اجتماعی است و امروز هم بیماری همان بیماری است و درمان همان درمان، البته با پیچیدگی افزون‌تر و اشکال متنوع‌تر.

اینک پس از دو دهه تلاش و فعالیت بی‌وقفه زنان در ایران می‌توان به روشنی حاصل کاشته‌های آنان را در جامعه ایران دید. زمانی که در آغاز دهه ۷۰ موضوعی حاشیه‌ای به نام برابری جنسیتی از طرف برخی از زنان مطرح شد، این موضوع حتی مسئله‌ای جدی برای بسیاری از زنانی که بعد از مدت‌ها با این تفکر و حاملان آن همراه شدند، نبود و اینک به عنوان یک مسئله جدی برای جامعه ایران و هر زنی که اندکی از پیام فعالان خود را شنیده باشد، تبدیل شده است.

فعالین جنبش زنان طی دو دهه تلاش با تأکید بر برابری جنسیتی، برابری حقوقی، و اصلاح قوانین و طرح گسترده حقوق بشر و بالا بردن اطلاعات و آگاهی جامعه در حوزه حقوق شهروندی، حقوق برابر اقوام ایرانی، حقوق زنان، حقوق کودکان، حقوق برابر اقلیت‌های دینی، حق داشتن محیط زیست سالم و دفاع از کودکان کار و خیابان کوشیدند تا از حقوق تک‌تک مردم و نیز از حقوق زنان دفاع کنند. فعالین زنان موضوع حقوق را از لابلائی کتب درسی به متن جامعه آوردند و با بیان ساده و دور از پیچیدگی، نیاز و الزام آن را برای هر شهروندی خصوصاً زنان قابل درک و قابل فهم کردند.

فعالین زن، مبارزه با خشونت، تبعیض و نابرابری را با شیوه‌های مدنی و غیرخشونت‌آمیز انجام دادند. آنان با روش‌های علنی، با ادبیاتی همه‌فهم و قابل درک، از همه آن چیزهایی که حق زنان است ولی در عمل از آن محرومند، حرف زدند، نوشتند و از طبیعی‌ترین حقوق خود دفاع کردند. طرح راه‌حل‌هایی قانونی، قابل اجرا و قابل تکرار برای اکثریت زنان، موجب شد که نه تنها در تهران که در بسیاری از استان‌ها و شهرستان‌ها زنان بسیاری با آن همراه شوند.

روشنفکری زنانه که متشکل از نحله‌های مختلف و متکثر فکری (سه جریان چپ، لیبرال، مذهبی) است، مبارزه با نابرابری را در فضایی مدنی با مطالبات و روش‌های قانونی آغاز کرد و بیش از یک دهه بر این مطالبات و روش کسب آن تأکید کرد و در حال حاضر با این پرسش مهم مواجه است که در شرایطی که حاکمیت ایران، طرح هیچ‌گونه مطالبات قانونی با شناخته‌شده‌ترین و مدنی‌ترین روش‌ها را برنمی‌تابد، ادامه فعالیت چنین جنبشی چگونه



# **ENCYCLOPÆDIA IRANICA**

Edited by  
Ehsan Yarshater

Center for Iranian Studies  
Columbia University

## **Volume XV** **JOČI—KĀŠĠARI**

*Published by*  
ENCYCLOPÆDIA IRANICA  
FOUNDATION  
New York

*Distributed by*  
EISENBRAUNS INC.  
P.O. Box 275 Winona Lake, IN 46590  
eisenbrauns.com  
(574) 269-2011

Please visit our new website at  
[www.iranicaonline.org](http://www.iranicaonline.org)